فقه، حقوق و علوم جزا ، شماره ۸ ، تابستان ۱۳۹۷، ص ۱۲۶- ۱۱۵

ISSN: 2538-3787
http://www.Joce.ir

مجله علمی فقه، حقوق و علوم جزا (سال سوم)
شماره ۸ / تابستان ۱۳۹۷ / ص ۱۲۶-۱۱۵

آیین رسیدگی به مستثنیات دین

سید مهدی حججی [۱] ، علی فقیه حبیبی [۲]

[۱] دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی واحد الکترونیکی دانشگاه آزاد اسلامی.

[۲] استاد دانشگاه.

نام نویسنده مسئول:

سید مهدی حججی

چکیده

مراجع مختلف دادگستری ممکن است در بدو امر در خصوص اتخاذ تصمیم راجع به م. د صالح به نظر آینده دادگاه صادر کننده حکم بدوی، دادگاه صادر کننده حکم قطعی و لازم الاجرا، دادگاه مجری حکم، دادگاه معطی نیابت دادگاه مجری نیابت و دادگاه صادر کننده اجرائیه از جمله این مراجع می باشند. در این مقاله به بررسی نحوه رسیدگی به دعاوی و مسائل مربوط به اموال مشمول مستثنیات دین که در مراحل اجرایی اعم از توقیف یا فروش اموال بدهکار به وجود می آید پرداخته می شود و شامل چهار مبحث به شرح ذیل می باشد.

شناسایی مراجع صالح، کیفیت طرح و اعتراض ذینفع درخصوص اموال توقیف شده و شیوه رسیدگی مرجع ذیصلاح، نوع تصمیمات مراجع صالح وچگونگی اعتراض به آن، قطعیت یا عدم قطعیت و آثار این تصمیمات بحث خواهد شد.

واژگان کلیدی: مستثنیات دین، آئین رسیدگی، مرجع صالح، آثار تصمیم مراجع.

فقه، حقوق و علوم جزا ، شماره ۸ ، تابستان ۱۳۹۷، ص ۱۲۶- ۱۱۵

ISSN: 2538-3787
http://www.Joce.ir

مقدمه

مراجع صالح برای رسیدگی بسته به اینکه ازچه طریق اموال محکوم علیه یابدهکاربرای پرداخت دیونش توقیف شده باشد ،ممکن است فرق داشته باشد.چنانچه قرارتامین خواسته مطابق مواد۱۰۸و۱۲۱ق.آ.د.م ازناحیه دادگاه صادرشده باشدیاحکم قطعی[۱]دادگاه منجربصدوراجراییه گردد،نسخه ای ازقراریاحکم به دایره اجرای احکام دادگستری ارسال میشودوگاهی مراجع غیردادگستری نظیر اجراییه های ثبتی(واحد اجرایی اداره ثبت اسنادواملاک)به اتکای اسنادرسمی لازم الاجرایا اداره دارایی برای وصول مالیات یاازطریق ادارات کاریادیوان محاسبات کشوری[۲]مدیران مجموعه های ساختمانی(آپارتمانی)[۳]وسازمان تامین اجتماعی[۴]خواهدبود.که دراین مواردهم یامراجع عالی برای رسیدگی به اعتراض محکوم علیه راجع به ادعای مستثنیات دین پیش بینی شده یامرجع تجدیدنظرآن مراجع قضایی خواهدبودکه در قسمت بعدی بیان خواهد شد. نکته ای که دراینجا لازم است ذکرشوداینکه حدودوظایف واختیارات واحداجرای احکام دادگستری بمراتب ودرمقایسه باسایرادارات وسیعتر است.چون هم شامل توقیف تامینی(تامین خواسته)وهم شامل توقیف اجرایی(توقیف محکوم به) میشود.همچنین مسئولیت اجرای آرای شورای حل اختلاف[۵]وهیاتهای تشخیص وحل اختلاف مستقردراداره کارراهم برعهده دارد.[۶]

درمواردی که حکم درهمان محل دادگاه صادرکننده،اجرانمیشود،درحقوق ایران بامقایسه مواد۲۵و۲۶ق.ا.ا.م مصوب ۱۳۵۶ باماده۵۲۵ ق.آ.د.م مصوب ۱۳۷۹درنگاه سطحی واولیه اندکی تعارض واختلاف درتشخیص مرجع صالح در رسیدگی به مستثنیات دین به چشم میخورد.دراینجابه چگونگی وجودیاعدم وجوداین تعارض واینکه اگروجودداردشیوه رفع آن چیست؟رابررسی میکنیم.براساس مواد۲۵و۲۶ ق. ا. ا.م درصورتیکه مرحله اجرای احکام ایراد و اشکالی در توقیف وفروش اموال پدید آید، توسط دادگاهی که حکم را اجرا می کند رفع اختلاف می شود. متن این دو ماده چنین است:

ماده۲۵ـ«هر گاه درجریان اجرای حکم اشکالی پیش آید،دادگاهی که حکم تحت نظرآن اجرامیشود رفع اشکال می نماید.»

ماده ۲۶ـ «اختلاف ناشی از اجرای احکام راجع به دادگاهی است که حکم توسط آن دادگاه اجرا می شود» اما با مطالعه ماده ۵۲۵ ق. آ.د.م که مقرر داشته: «در صورت بروز اختلاف نسبت به متناسب بودن اموال و اشیاء موصوف در ماده قبل با شئون و نیاز محکوم علیه، تشخیص دادگاه صادر کننده حکم لازم الاجرا، ملاک خواهد بود...» از طرفی با استفاده از ماده ۱ ق.ا.ا.م[۷]که فقط حکم قطعی را لازم الاجرا می داند، حال این سوال پیش می آید که دادگاه صادر کننده حکم لازم الاجرا چه دادگاهی است؟ در مواردی که حکم دادگاه بدوی اساسا غیر قابل اعتراض است یا اینکه از رای دادگاه بدوی تجدید نظر خواهی نمی شود و حکم در همان مرحله بدوی به قطعیت می رسد، اشکالی پیش نمی آید. اما در مواردی که دادگاه تجدید نظر رای قطعی (لازم الاجرا) را صادر کرده است در این صورت آیا به اشکالات اجرایی از جمله دعوی مستثنیات دین هم باید رسیدگی کند یا اینکه با توجه صدور اجراییه حتی اگر حکم قطعی را دادگاه تجدید نظر صادر کرده باشد، در هر حال با دادگاه نخستین است[۸]؟ آیا می توان گفت از وحدت ملاک ماده ۵ ق.ا.ا.م استفاده می شود که رسیدگی به اختلافات ناشی از مستثنیات دین نیز در هر حال با دادگاه نخستین است چرا که اجراییه را او صادر کرده و حکم به گونه ای که در مواد ۲۵ و ۲۶ ق.ا.ا.م آمده زیر نظر او اجرا می گردد؟ در پاسخ به سوال بالا یک نظر این است: «چون ماده ۵۲۵ ق.آ.د.م نسبت به مواد ۲۵ و ۲۶ ق.ا.ا.م (موخر) است و اجرای حکم یکی از آثار دادرسی است که باید براساس مقرارت آیین دادرسی زمان صدور حکم صورت گیرد.»[۹]شاید مبنای این نظریه ماده ۹ قانون اخیر باشد که مقرر کرده: «رسیدگی به دعاوی که قبل از تاریخ اجرای این قانون اقامه شده باشد به ترتیب مقرر در این قانون ادامه می یابد... »و نزدیک به این مضمون نظریه ای هم به شماره ۲۵۶۷ مورخ ۷۹/۸/۱۰ از اداره کل حقوقی و تدوین قوه قضاییه

---

[۱] - حکم قطعی اعم است از اینکه حکم از دادگاه بدوی (مواردی که طبق قانون قطعی است) صادر شده باشد یا نسبت به حکم در مهلت قانونی اعتراض و تجدید نظر خواهی نشده باشد یا مراحل تجدیدنظر خواهی عادی خود را طی کرده باشد (اگر مراحل فوق العاده تجدید نظر را هم سپری کند، حکم نهایی گفته می شود.) نک: مواد ۳۳۰ تا ۳۳۲ و ۳۶۵ و ۳۶۷ تا ۳۶۹ ق.آ.د.م و تبصره ماده ۲۲ ق. ث و ماده ۳۹ ق.ا.ا.م

[۲] - نک: ماده ۶۲ آیین نامه اجرایی وصول مالیات موضوع ماده ۲۱۸ ق.ما.م ناظر به ماده ۴۸ قانون محاسبات عمومی و نیز مواد ۳۲ تا ۳۵ ق.د.م.ک

[۳] - در صورتیکه مالک آپارتمانی از بابت هزینه های مشترک تصفیه حساب نکند، اداره ثبت محل به درخواست مدیر ساختمان مطابق ماده ۱۰ مکرر ق.ت.آ.پ، اجراییه صادر خواهد کرد و طبق تبصره ۳ ماده مذکور نظریه مدیر قابل اعتراض در دادگاه است. برای اطلاعات بیشتر نک: اسماعیلی هریسی، ابراهیم، حقوق مالکین آپارتمان ها، نش، ص ۱۶۷

[۴] - نک: ماده ۵۰ قانون تامین اجتماعی

[۵] - نک: ماده ۱۹ آیین نامه اجرایی موضوع ماده ۱۸۹ قانون برنامه سومی توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

[۶] - منبع پیشین

[۷] - ماده ۱ق.ا.ا.م : «هیچ حکمی از احکام دادگاهی های دادگستری به موقع اجرا گذارده نمی شود مگر اینکه قطعی شده باشد...»

[۸] - ماده ۵ ق.ا.ا.م «صدور اجراییه با دادگاه نخستین است»

[۹] - مهاجری، علی، شرح قانون آیین دادرسی، ج ۳، ص ۴۰۲

ISSN: 2538-3787
http://www.Joce.ir

صادر شده که چنین است: «اجرای احکام، چون براساس مقرارت آیین دادرسی صورت می گیرد، تابع قانون حاکم در زمان اجرا می باشد. بنابراین اگر حکمی قبلاً صادر شده ولی اجرا نگردیده است، اجرای آن بر طبق مقرارت جاری در زمان اجرا خواهد بود.»[۱]با گذر از نظریه مذکور، نظریه دیگری را می توان مطرح کرد با این استدلال که ماده ۵۲۵ ق.آ.د.م صراحت دارد . «... تشخیص دادگاه صادر کننده حکم لازم الاجرا ملاک خواهد بود...» و اجتهاد درمقابل نص نمیتوان کردواگرحکم لازم الاجرادادگاه تجدیدنظرصادرکرده باشد،رسیدگی به اختلاف مربوط به مستثنیات دین هم بادادگاه تجدید نظر است و در این راستا برخی هم قائل به تفکیک هم شده اند مبنی بر اینکه: اگر در جریان اجرای حکم اموالی ازمحکوم علیه توقیف واختلاف مذکوردرماده ۵۲۵ ق.آ.د.م حادث شود،رفع اختلاف بنابصراحت ماده مذکور (درصورت نقض حکم بدوی)بادادگاه تجدیدنظرخواهدبودنه دادگاه بدوی زیراصادرکننده حکم لازم الاجرادادگاه تجدیدنظراست امااگرحکم دادگاه بدوی عیناًدردادگاه تجدیدنظرتاییدشودبنظرمیرسدحکم لازم لااجرا همان حکم بدوی بوده ودرصورت تحقق اختلاف بین محکوم له ومحکوم علیه تشخیص دادگاه بدوی ملاک عمل خواهد بود.[۲]این نظراگر چه با منطوق ماده ۵۲۵ منطبق است، اما در یک پایان نامه کارشناسی ارشد اینگونه نقل شده است: «اولا منطبق با قوانین قبلی (مواد ۲۵ و ۲۶ ق.ا.ا.م) نیست وبرخلاف اصول پذیرفته شده (اجرای احکام زیر نظر دادگاه بدوی است و رفع اشکال با همین دادگاه می باشد) است.ثانیاًمشکلات عدیده ای درمرحله عملیات اجرایی پدید خواهدآمد.چه اینکه پرونده درمرحله اجرای حکم، جهت اظهار نظر داگاه صالح بایدبه دادگاه تجدیدنظرارسال شودواین امرموجبات اطاله اجرای حکم را فراهم می نماید.»[۳]

و دیگر با اعلام نظر مبنی بر اینکه «... ماده ۲۵ ق.ا.ا.م بهترا ز ماده ۵۲۵ ق.آ.د.م بود و ماده ۵۲۵ زائد است، پیشنهاد حذف آن را داده است تا مرجع واحدی برای رسیدگی به اختلافات و مشکلات اجرایی به وجود آید...»[۴]از مجموع نظریات فوق می توان گفت که بطور کلی دو نظریه وجود دارد. یکی مبنی برعمل مطابق مواد ۲۵ و ۲۶ ق.ا.ا.م و اعتقاد به صلاحیت کلی دادگاه بدوی یا دادگاهی که حکم زیر نظر آن اجرا می شود و دوم عمل براساس مقررات ق.آ.د.م و اعتقاد به صلاحیت دادگاهی که حکم قطعی لازم الاجرا را صادر کرده است. در ارزیابی نظریات فوق می توان گفت اگر چه امتیاز نظریه نخست این است که گاهی در عمل موجب تسهیل در اجرا و سرعت بخشیدن به عملیات اجرایی می‌شود، چرا که هر حال اجراییه را دادگاه نخستین صادر می کند، ولی این سرعت وجه امتیاز اولا به تمام احکام سرایت و تعمیم پیدا نمی کند و شامل همه احکام نمی شود. چرا که بسیاری از احکام اساسا غیر قابل تجدید نظر است و در همان مرحله بدوی قطعی و لازم الاجرا می شود و در همه این موارد دادگاه بدوی دادگاه صادر کننده حکم لازم الاجرا می باشد. ثانیاً همانطور که در نظریه نخست آمده، باید بین آن دسته از احکام که پس از تجدید نظرخواهی از رای دادگاه بدوی، از طریق دادگاه تجدید نظر صادر می شود با سایر احکام که در همان مرحله بدوی قطعیت می یابد، تفکیک قائل شد به این ترتیب که اگر حکم دادگاه بدوی عینا توسط دادگاه تجدیدنظر تایید شود، در این صورت چون دادگاه تجدیدنظر دخل و تصرفی در رای بدوی نکرده، پس همان رای بدوی تایید شود، رای لازم الاجرا تلقی می شود و دادگاه بدوی می‌تواند مطابق ماده ۵۲۵ ق.آ.د.م اختلافات راجع به مستثنیات دین را برطرف نماید. لیکن آن دسته از احکام که دادگاه تجدیدنظر پس از نقض رای دادگاه بدوی، خودش راساً در ماهیت موضوع صادر می کند که تقریباً اقلیت آراء از این قبیل است، در این صورت بنا به صراحت ماده ۵۲۵ ق.آ.د.م دادگاه تجدیدنظر دادگاه صادر کننده حکم لازم الاجرا تلقی می گردد و وظایف محول در ماده مذکور به عهده اوست و در مقابل این نص، جای استدلال و اجتهاد باقی نمی ماند.

مضافاً به اینکه این خود موجب تسریع در رسیدگی است. زیرا به فرض که دادگاه بدوی هم رسیدگی کند باز حق اعتراض و تجدیدنظر خواهی مطرح می شود که موجب دوباره کاری و ارسال مجدد به دادگاه تجدید نظر خواهد شد که خود اطاله رسیدگی به وجود می آورد. ثالثاً نه از وحدت ملاک ماده ۵ ق.آ.ا. م که صدور اجراییه را به دادگاه نخستین محول کرده است می توان در مورد ماده ۵۲۵ ق.آ.د.م استفاده کرد و نه اینکه می توان با نادیده گرفتن ماده ۵۲۵ ق.آ.د.م، مواد ۲۵ و ۲۶ ق.ا.ا.م را در مورد مستثنیات دین به موقع اجرا گذاشت. زیرا ق.ا.ا.م ناظر به موارد حکمی است و ق.آ.د.م ناظر به مصادیق و موارد موضوعی و حتی این نظر که ق آ.د.م قانون عام است و ق.ا.ا.م خاص است و عام لاحق نمی تواند ناسخ خاص سابق باشد، در اینجا توجیه و شمول ندارد زیرا همانطور که در مفهوم و ماهیت مستثنیات دین گفتیم، این یک نهاد استثنایی است و به تعبیر فقهی از اعداد احکام ثانوی است. یعنی استثنایی است بر اصل لزوم ادای دین و ایفای تعهد که جای بحث آن در واقع نباید در قانون شکلی و آمره [ق.آ.د.م] باشد. لیکن قانونگذار این مهم را کاملا رعایت نکرده است کما اینکه ماده ۵۲۸ را نیز مبنی بر ایجاد و تشکیل دادگاه ویژه روحانیت که اساساً دادگاه اختصاصی کیفری است در قانون آ.د.م آورده است. به هر حال جا داشت که مستثنیات دین را هم به صورت جداگانه با حداقل به عنوان الحاقیه به قانون اجرای احکام مدنی اضافه می کرد و

---

[۱] - شهری، غلامرضا، مجموعه قوانین و مقررات حقوقی، روزنامه رسمی، ص ۳۳۷

[۲] - مهاجری، علی، منبع پیشین، ص ۴۰۲

[۳] - شاه حسینی، رضا، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ص ۱۵۶

[۴] - مولابیگی، غلامرضا، مستثنیات دین از نظر فقهی و حقوقی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع)، ص ۱۵۰

ISSN: 2538-3787
http://www.Joce.ir

همانطور که قبلا بحث شد مستثنیات دین یک حق قانونی است و بیشتر چهره حق دارد تا تکلیف و به همین دلیل تحت عنوان مستثنیات دین در فصل جداگانه ای در انتهای قانون آیین دادرسی مدنی آمده است و از حیث شیوه و مرحله رسیدگی هم مربوط به بعد از صدور حکم است ومنحصر به اختلافات مربوط به تناسب یا عدم تناسب اموال و اشیاء مشمول مستثنیات باشئون ونیازهای زندگی محکوم علیه است. درنتیجه بنظرمیرسدکه ماده۵۲۵ ق.آ.د.م نسبت بمواد۲۵و۲۶ق.آ.ا.م قانون خاص تلقی میشودوتعارض بین آنهاوجودندارد و مرجع قضایی صالح برای رسیدگی به اختلافات نسبت به متناسب بودن اموال واشیا مشمول مستثنیات دین منحصرادر محدوده موضوعی ماده۵۲۵ ق.آ.د.م دادگاه صادرکننده حکم لازم الاجرااست که حسب موردغالباهمان دادگاه بدوی ودر مواردخاص که دادگاه تجدیدنظراست.نظراکثریت قضات دادگاه های حقوقی۲سابق تهران[۱]راین موردچنین اعلام شده است:

«در صورت نقض حکم، دادگاه نقض کننده مرجع اجرای حکم خواهد بود و این نظر قابل توجیه است. به این معنی که اگر داگاه تجدیدنظر کننده حکم دادگاه اول را تایید کند، در واقع رأی جدید نداده بلکه همان رأی سابق را امضا نموده است. لکن اگر رأی بدوی را فسخ و خود انشاء رأی کند، با توجه به بی اثر شدن رأی اول و جانشینی رأی ثانوی دادگاه تجدید نظر کننده، دادگاه صادر کننده رای تلقی می شود و مطابق ماده ۱۹ ق.ا.ا.م مسئول اجرای حکم خواهد بود. بعلاوه اعمال مقررات ماده ۲۷ قانون مذکور[۲]نیز اقتضا دارد که دادگاه تجدید نظر کننده در صورت فسخ رای اول مرجع اجرای حکم خود باشد» اما به نظر نگارنده دادگاه تجدید نظر چه در مقام نقض یا تائید دادنامه باشد قطعا یک مرتبه رسیدگی نموده و لذا استدلال قضات دادگها حقوقی ۲ سابق تهران خالی از اشکال نیست.

۲-۱- مرجع صالح در مراجع غیر قضایی

با توجه به قوانین خاصی که حاکی از منع توقیف برخی اموال و اشیاء ضروری مورد نیاز محکوم علیه و خانواد هاش وجود دارد و آنها را در بحث قبل بررسی کردیم، می توان گفت برخی از ادارات و مراجع غیر قضایی هم به نوعی به مقوله مستثنیات دین مرتبط می شوند که عبارتند از:

بند اول- اداره ثبت (رئیس اداره ثبت و هیات نظارت)

براساس ماده۹۲ ق.ث«مدلول کلیه اسنادرسمی راجع به دیون وسایراموال منقول بدون احتیاج به حکمی از محاکم عدلیه لازم الاجراست ...»ماده۸ قانون اصلاح بعضی ازموادقانون ثبت وقانون دفاتر رسمی مصوب ۲۷شهریور ۱۳۲۲ مرجع رسیدگی به شکایات از طرز عمل و اقدامات اجرایی را به عهده آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا و طرز رسیدگی به شکایات از عملیات اجرایی مصوب ۱۳۵۵ در ماده ۲۲۹ چنین مقرر کرده است:

«عملیات اجرایی بعدازصدوردستوراجراشروع وهرکس(اعم ازمتعهدسندوهرشخص ذینفع)که ازعملیات اجرایی شکایت داشته باشد،میتواندشکایت خودراباذکر دلیل و ارائه مدرک به رئیس ثبت محل تسلیم کندو رئیس ثبت مکلف است، فورا رسیدگی نموده وبا ذکر دلیل رای صادر کند. نظر رئیس ثبت به هر حال برابر مقررات به اشخاص ذینفع ابلاغ می شودو اشخاص ذینفع اگر شکایتی داشته باشند، ... میتوانندشکایت خود را به ثبت محل یاهیات نظارت صلاحیت دار تسلیم نمایند تا قضیه برابر بند ۸ ماده ۲۵ اصلاحی قانون ثبت در هیات نظارت طرح و رسیدگی شود.» بند ۸ ماده ۲۵ قانون ثبت اصلاحی ۱۳۵۱ چنین است: «رسیدگی به اعتراضات اشخاص نسبت به نظریه رئیس ثبت در مورد تخلفات و اشتباهات اجرایی با هیات نظارت است.»

بند دوم- اداره دارایی (هیات حل اختلاف)

براساس ماده ۲۱۱ ق. ما. م . م مصوب ۱۳۶۶ و ماده ۵ آیین نامه مربوط به آن اگر مودی در موعد مقرر مالیات خود را پرداخت نکند، به اندازه بدهی که اعم است از اصل و جرایم متعلقه به اضافه ده درصد بدهی، از اموال منقول یا غیر منقول و مطالبات او توقیف می شود و صدور دستور توقیف و دستور اجرای آن به عهده اجراییات اداره امور اقتصادی و دارایی است. حال اگر مامورین اجرایی مالیات، مقرارت ماده ۲۱۲ و ۱۴۴ قانون مذبور را در مورد مستثنیات از توقیف رعایت نکنند، این اقدام آنها به استناد ماده ۲۱۶ همان قانون و نیز ماده ۵۸ آیین نامه اجرایی وصول مالیات قابل اعتراض درهیات حل اختلاف مالیاتی میباشداین هیات طبق ماده۲۴۴متشکل از۳عضواست. (نماینده وزارت اقتصادودارایی،۱قاضی و۱نماینده اقشاریااصناف مرتبط)رأی هیأت مذکورقطعی ولازم الاجرا است.

---

[۱] - نوبخت، یوسف، اندیشه های قضایی، موسسه کیهان، ش ۹۷

[۲] - ماده ۲۷ ق.ا.ا.م: «اختلافات راجع به مفاد حکم همچنین اختلافات مربوط به اجرای احکام که از اجمال یا ابهام حکم یا محکوم به حادث می شود، در داگاهی که حکم را صادر کرده رسیدگی می شود».

ISSN: 2538-3787
http://www.Joce.ir

بند سوم- اداره کار (هیئت تشخیص و حل اختلاف در اداره کار)

اگرکارفرمایان در قبال مطالبات خود از کارگران بملغی بیشتر از یک چهارم مزد ماهیانه را کسر نمایند و مقرارت ماده ۴۶ ق. ک را رعایت نکنند، این تخلف کارفرما یکی از مواردی است که براساس ماده ۱۵۷ همان قانون در هیات تشخیص قابل طرح است و پس از آن اگر به رای هیات تشخیص اعتراض شود در هیات حل اختلاف کار مجددا بررسی می شود و رای هیات حل اختلاف قطعی و لازم الاجرا است.[۱] البته باید توجه داشت که این آراء برای اجرا به دایره احکام دادگستری فرستاده می شود.[۲]ماده ۲ آیین نامه مربوط به طرز اجرای آرای قطعی هیات های تشخیص و حل اختلاف موضوع ماده ۱۶۶ ق. ک مقرر داشته: «مرجع صلاحیتدار برای اجرای آرای قطعی هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف، (اجرای دادگاه) محل کارگاهی است که موضوع اجراییه از لحاظ نصاب در صلاحیت آن دادگاه می باشد...» بنابراین چنانچه در چگونگی اجرای آرای این هیات ها، اختلافی مثلا در خصوص اموال مشمول مستثنیات دین یا تناسب یا عدم تناسب آن با شئون و نیازهای محکوم علیه حادث شود به این اختلاف در دادگاه صادر کننده اجراییه رسیدگی میشود و طرز رسیدگی و ملاک آن نیز همان مقررات مربوط به اجرای احکام مدنی است. از جمله اینکه ماده ۶۵ ق.ا.ام در مورد مستثنیات دین در خصوص ارای هیات های حل اختلاف و تشخیص هم باید رعایت شود.ماده۴ آیین نامه طرز اجرای قطعی هیاتهای تشخیص وحل اختلاف دراین موردمقرارداشته:«ترتیب اجرای آرای قطعی هیات های تشخیص وحل اختلاف تابع احکام و مقررات اجرای احکام مربوط به محاکم دادگستری است.»

بند چهارم- دیوان محاسبات کشور

براساس ماده ۳۵ ق.د.م.ک اصلاحی ۱۳۷۰/۵/۲۰ «دادسرای دیوان محاسبات کشور می تواند درخواست تعمیم خواسته و یا محکوم به را از محکمه تجدید نظر بماید، محکمه در صورتی که دلایل درخواست تعمیم را کافی بداند، قرار مقتضی صادر می‌نماید. قرار مذکور طبق مقرارت اجرای مربوط به احکام تعمیم خواسته قابل اجرا می باشد.»

باید توجه داشت از آنجا که براساس قسمت اخیر ماده فوق و نیز ماده ۳۳ همین قانون اجرای این قرارها و احکام این مرجع طبق مقررات اجرای احکام مراجع قضایی خواهد بود، لذا اگر اعتراض راجع به نحوه توقیف و عدم رعایت مستثنیات دین وجود داشته باشد و دایره اجرای احکام دادگستری داده می شود.

بند پنجم- شوراهای حل اختلاف

شورای حل اختلاف براساس ماده ۱۸۹ قانون برنامه سومی توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و آیین نامه اجرایی و سپس متن این ماده در ماده ۱۳۴ قانون برنامه چهارم توسعه هم ابقاء و تنفیذ شد، تاسیس شده است. این ماده مقرر داشته:«بمنظورکاهش مراجعات مردم به محاکم قضایی و در راستای توسعه مشارکت های مردمی، رفع اختلافات محلی و نیز حل و فصل اموری که ماهیت قضایی ندارد و یا ماهیت قضایی آن از پیچیدگی کمتری برخوردار است به شوراهای حل اختلاف واگذار می گردد. حدود وظایف و اختیارات این شوراها ترکیب و نحوه انتخاب آن بر اساس آیین نامه ای خواهد بود که به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب هیات وزیران و به تایید رئیس قوه قضاییه می‌رسد.» در ماده ۱۹ آیین نامه اجرایی ماده مذکور آمده است: «آرای قطعی در امور مدنی به درخواست ذینفع و به دستور رئیس شورا با صداور اخطار اجرائی به موقع اجرا گذاشته می‌شود. چنانچه با ابلاغ اخطار دایره اجرایی محکوم له ظرف ده روز حکم را اجرا ننماید پرونده جهت اقدام قانونی برای اجرای حکم به اجرای احکام دادگاه یا دادگستری محل تحویل می گردد و در امور کیفری در صورتی که محکوم علیه مایل به پرداخت جزای نقدی بوده آن رابحسابی که شوراتعیین خواهدکرد بحساب دولت واریز و قبض سپرده آن راضمیمه می نماید و در صورت امتناع، پرونده جهت اقدامات اجرایی در امر کیفری به دادگاه یا دادگستری محل تحویل می گردد»[۳]

۲- شیوه رسیدگی در خصوص مستثنیات دین

قانون آیین دادرسی مدنی و سایر قوانین

رعایت مستثنیات دین در هنگام توقیف (اعم از تامینی یا اجرایی) چگونه و از طریق چه کسی باید صورت گیرد؟ آیا مامورین اجرا در این مورد تکلیف دارند که راسا از توقیف اموال مشمول مستثنیات خودداری کنند یا اینکه اشخاص ذینفع (محکوم علیه یا وکلیش یا خانواد هاش) باید حتما حضور داشته باشد و با استناد به اینکه مال مورد نظر از مستثنیات دین است، درخواست عدم توقیف آن را توسط مامور

---

[۱] - شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، میزان ، ج ۱، ش ۹۲

[۲] - ماده ۱۶۶ ق.ک: «آراء قطعی صادره از طرف مراجع حل اختلاف کار، لازم الاجرا بوده و به وسیله اجرای احکام دادگستری به مورد اجرا گذارده خواهد شد. ضوابط مربوط به آن به موجب آیین نامه ای خواهد بود که به پیشنهاد وزارتین کار و امور اجتماعی و دادگستری به تصویب هیات وزیران می رسد»

[۳] - نقل از روزنامه ش ۱۶۷۴۷ مورخ ۱۳۸۱/۶/۵

ISSN: 2538-3787
http://www.Joce.ir

اجرا، مطرح نمایند؟ با مطالعه مجموع مقرارت در قوانین موضوعه ایران در این زمینه به نظر می رسدکه تکلیف مامورین اجرا در رعایت موارد مشمول مستثنیات دین منتفی نیست وهمچنین در صورت حضور مدیون یا خانواده اش در هنگام توقیف درخواست آنها باید صراحتا مطرح و در صورتجلسه توقیف اموال منعکس شود. لذا این مبحث را در دو قسمت به تفکیک دنبال می کنیم.

۱-۲- تکلیف مأمور اجرا

قانونگذار در قوانین مختلف مرتبط با رعایت مستثنیات دین از الفاظ آمره ای مثل «توقیف اموال زیر ممنوع است» یا «اموال زیر توقیف نمی شود» استفاده کرده است که این حکایت از تکلیف مامورین اجرا به هنگام توقیف اموال دارد و حتی در صورت عدم حضور مدیون یا خانواده او که ذینفع در استناد تلقی شده اند، این تکلیف مامور اجرا ساقط نمی شود. بنابراین تکلیف مامور اجرا در رعایت مستنثیات دین در هنگام توقیف اموال به وضوح در قوانین مذکور مشاهده می شود. حال اگر به هر دلیل اعم از عدم توجه یا عدم اطلاع مامور به مقررات یا اختلاف نظر در نوع یا مقدار اموال معاف شده از توقیف، این امر رعایت نشود ذینفع حق دارد که شخصاً درخواست نماید یا به توقیف صورت گرفته اعتراض کند که اینک به شرح این موضوع پرداخته می شود.

۲-۲- درخواست یا اعتراض اشخاص ذینفع

همانطور که دربند(۱)ازاین مبحث گفته شد،درمرحله توقیف اموال، مامورین اجرا نبایستی اموال معاف شده را توقیف نمایند. لیکن چنانچه به هر دلیل این امر رعایت نشود، مانع از آن نیست ک مدیون یا خانواده او یا حتی وکلیشان بتوانند تقاضای عدم توقیف کنند یا اگر توقیف شده به مراجع صالح اعتراض نمایند و تقاضا کنند که از آن رفع توقیف شود. این حق صراحتاً در مواد ۴۴۴ و ۴۴۷ ق. ت و نیز حق اعتراض در قوانین سابق الذکرازجمله مواد (۲۱۶ ق.ما.م و۵۸آیین نامه اجرایی وصول مالیات)و(۱۵۷ ق.ک)و(۹۶ و ۲۲۹ آ.ا.م.ا.ر.ل)و(۵۲۵ ق.آ.د.م)پیش بینی شده است که شرح آن درمبحث نخست ازهمین فصل گذشت.شیوه اعتراض یادرخواست شخص ذینفع چگونه باید باشد؟

آیا تشریفات خاصی نیاز دارد مثل تنظیم فرم دادخواست یا خیر؟ پاسخ این سوالات این است که گرچه قانون در این مورد سکوت کرده است، ولی با توجه به عمومات و رویه عملی چنین برداشت می شود که نیاز به تشریفات خاصی ندارد و صرف درخواست کتبی به مراجع صلاحیتداری که در قبل ذکر شد، کفایت می کند و حتی اگر معترض هنگام توقیف اموال توسط مامور در محل حضور داشته باشد، می‌تواند مراتب اعتراض خود را به مامور اجرا اعلام و او این مسئله را در صورتجلسه اجرای قرار یا حکم منعکس کرده و حسب مورد به دادگاه یا مرجعی که دستور اجرا را داده گزارش کند.[۱]البته در برخی از موارد همانگونه که گفته شده: «... شکایت از عملیات مامورین اجرا و اقدامات اجرایی مانع از عملیات اجرایی نیست. مگر اینکه رای نهایی بر ابطال آنها صادر شود...»[۲]یا قرار توقف یا تاخیر عملیات اجرایی از سوی دادگاه[۳]یا هیات های حل اختلاف مالیاتی صادر گردد.[۴]

۳- تصمیم مرجع صالح در مراحل مختلف رسیدگی

در مراحل مختلف اجرایی نسبت به توقیف اموال مشمول مستثنیات دین و تناسب یا عدم تناسب آن با نیازها و شئون اشخاص استناد کننده ممکن است اعتراض یا اختلاف حادث شود. به همین دلیل تصمیم مراجع صالح، در مراحل مختلفی که اعتراض یا اختلاف ایجاد می‌شود به صورت جداگانه بررسی می شود.

۱-۳- تصمیم مرجع صالح در مورد اختلاف طرفین قبل از توقیف مال

در صورتیکه دادگاه براساس ماده ۱۰۸ ق.آ.د.م قرار تامین خواسته صادر کند و نیز اگر براساس مواد ۴ و۵ ق.ا.ا.م اجرائیه ای صادر شود و سپس براساس ماده ۴۹ همین قانون مامور اجرا در صدد توقیف اموالی از محکوم علیه برآید، او وظیفه دارد طبق مواد ۱۲۹ و ۵۹۳ و ۵۲۴ ق.آ.د.م و ماده ۶۵ ق.ا.ا.م از توقیف اموالی که مشمول مستثنیات دین است، خودداری کند. حال اگر این امور را رعایت نکند و قصد داشته باشد که مالی را توقیف کند که به نظر محکوم علیه مشمول مستثنیات دین است، در این صورت ممکن است به اعتراض مدیون یا

---

[۱] - مستفاد از ماده ۲۲۹ آ.ا.م.ا.ر.ل و ماده ۲۱۶ ق.ما.م و ماده ۵۲۳ ق.آ.د.م

[۲] - شهری، غلامرضا، حقوق ثبت و اسناد و املاک، ص ۳۶۰

[۳] - نک: ماده ۲۴ و ۳۰ ق.ا.ا.م

[۴] - نک: ماده ۵۸ آیین نامه اجرایی و وصول مالیات موضوع ماده ۲۱۸ ق.ما. م

ISSN: 2538-3787
http://www.Joce.ir

خانواده او راجع به توقیف آن مال مواجه شود به این شکل که او آن مال را مشمول مستثنیات و معاف از توقیف اعلام کند و محکوم له عکس آن رااعتقادداشته باشددر اینجا مامور اجرا مکلف است که قبل از توقیف آن مال از دادگاه کسب تکلیف نماید.

۲-۳- تصمیم مرجع صالح در مورد اختلاف طرفین بعدازتوقیف مال

چنانچه بعدازصدورقرارتامین خواسته یااجراییه ای صادرشده از سوی دادگاه، مامور اجرا در توقیف اموال،مستثنیات دین رارعایت نکرده باشد، اشخاص ذینفع (که در بخش دوم بیان شد)میتوانندبه دادگاه صادرکننده قرارااجراییه ازاین حیث اعتراض نمایندودادگاه ضمن بررسی موضوع وتطبیق باموارد‌مصرح درماده ۲۴قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی یاماده۶۵ ق.ا.ا.م یاسایر قوانین خاص مرتبط، در صورت موجه بودن و وارد تشخیص دادن اعتراض دستور رفع توقیف ازآن مال را صادر می کند.همچنین اگر در تناسب مال به خصوصی با نیازهای ضروری محکوم علیه یاخانواده اش اختلاف حادث شود، موضوع به دادگاه گزارش می شود و دادگاه در صورت نیازبا تحصیل نظر کارشناس وارزیابی مال، کل یا مقداری از آن مال را که نیازهای ضروری او را برطرف می کند، از شمول توقیف معاف مینماید

شعبه هفتم دادگاه ورامین در سال ۱۳۷۸ چنین رای داد:

درمورداعتراض همسرمحکوم علیه ووکیل ایشان مبنی براینکه منزل مسکونی که درآن زندگی میکنند،درراستای وصول محکوم به توقیف شده است.دادگاه باتوجه به متواری بودن(شخص)محکوم علیه واینکه همسروفرزندنش در این منزل زندگی میکنند،اعتراض آنان راازباب مستثنی بودن منزل مسکونی ازدین بعنوان افرادواجب النفقه محکوم علیه بادرنظرداشتن نظریه شماره۷۶ /۲۱/ ۵۱۱مورخ۱ /۷۶/۳فقهای شورای نگهبان ونظریه فقهی حضرت امام خمینی(ره) در(کتاب الدین)تحریر الوسیله جلد۲ص۶۵۱ومساله۱۴وماده۶۹آیین نامه اجرای مفاداسنادرسمی لازم الاجراوارد تشخیص داده لکن چون مفهوم مخالف نظریه مذکوربرآن است که منزل گران قیمت ومازاد برتناسب افرادراشامل نمیشود،لذامقررمیداردمدیرمحترم اجرا،عملیات اجرایی را ادامه داده و پس از فروش (منزل مسکونی) یک سوم قیمت آن رابخریدمنزل ارزان تری برای خانواده محکوم علیه اختصاص داده و مازاد آن را به محکوم له پرداخت نماید.[۱]این رأی متعاقباًبموجب رأی شماره۵۱مورخ ۷۹/۳/۲۹ ازطریق شعبه۱۲دیوان عالی کشورعیناًتاییدشد.بنابراین مطابق ماده ۵۲۵ ق.آ.د.م تصمیم دادگاه صادرکننده قرارياحکم لازم الاجرا،دررفع اختلافات بعد از توقیف اموال برای دوایر اجرای احکام ومامورین اجراملاک عمل خواهدبودکه درصورت پذیرش اعتراض،دادگاه دستوررفع توقیف ازآن مال راصادرمی کند.

۳-۳- آثار تصمیم مراجع صالح قضایی

هرتصمیمی که مرجع صالح(اعم ازاینکه مرجع قضایی باشدیامرجع غیرقضایی)درخصوص ادعای مستثنیات دین بگیرد،آثاری داردازجمله اینکه هرگاه تصمیم مرجع صالح مبنی برپذیرش ادعای ذینفع باشد،دستورتوقف عملیات اجرایی واگرمالی توقیف شد،رفع توقیف آن مال مشمول معافیت راصادر میکندوهرگاه تصمیم مبنی عدم پذیرش اعتراض یاادعای مستثنی بودن مال باشد،عملیات اجرایی ادامه پیدامیکندوآثارکلی وعملی اجرای احکام یااسنادلازم الاجرا را به همراه خواهد داشت و از این جهت جای ابهام یا بحثی در این فرض باقی نمیماند.به همین دلیل در این مباحث صرفابه آثار مترتب بر پذیرش اعتراض یا ادعای ذینفع در مورد مستثنیات دین در مرجع صالح می پردازیم.

بند اول- آثارتصمیم مرجع صالح قضایی مبنی بر پذیرش ادعای مستثنیات دین

درمقوله مستثنیات دین آثارتصمیم مرجع قضایی برروندعملیات اجرایی،ممکن است در مراحل مختلف متفاوت باشد.

بند دوم- آثار تصمیم مرجع قضایی بر روند عملیات اجرایی

چنانچه دادگاه قرار تامین خواسته ای صادر کند که در مقام اجرای آن رعایت مستثنیات دین در نظر گرفته نشده باشد، ذینفع (اعم از خوانده یا خانواده او یا وکیلش) می تواند به این مسئله اعتراض نماید و اگر این اعتراض که قبل از توقیف مال است، مورد پذیرش دادگاه قرار گیرد یا توسط مامور اجرا مراتب به دادگاه گزارش شود، دادگاه به اعتراض رسیدگی کرده و اگر مال مورد ادعا را از مصادیق مستثنیات دین تشخیص دهد، دستور توقف عملیات اجرایی را در مورد آن مال صادر می کند و اگر اموال دیگری غیر از مستثنیات دین وجود داشته

---

[۱] - دادنامه ش ۳۴۸ مورخ ۷۸/۴/۱۶ شعبه هفتم دادگاه ورامین به ریاست قاضی رضا مومنی. توضیح اینکه در آن زمان با خلا قانونی در مورد مستثنی بودن مسکن مواجه بوده و هنوز قانون آیین دادرسی مدنی جدید (سال ۷۹) و مواد ۵۲۳ و ۵۲۶ راجع به مستثنیات دین تصویب نشده بود و داگاه ناگزیر بود در اجرای اصل ۱۶۷ قانون اساسی به فتاوای معتبر و آیین نامه مربوط به اسناد لازم الاجرا استناد نماید.

ISSN: 2538-3787
http://www.Joce.ir

باشد، نسبت به آن اقدام می شود، در عمل نیز دیده می شود که بسیاری از دادگاه ها حتی در ذیل قرار تامین خواسته قید با رعایت مستثنیات دین» را تصریح می‌کنند. این موضوع در مورد توقیف برای محکوم به (در توقیف اجرایی) هم صادق است.

بند سوم- توقف عملیات اجرایی و منع از ادامه عملیات اجرایی در مورد مال مورد اعتراض

در صورتیکه بعد از توقیف مال، دادگاه احراز کند که این مال از مستثنیات دین است بنابه درخواست ذنیفع، دستور توقف علمیات اجرایی و رفع توقیف آن را صادر می کند. به موجب ماده ۲۴ ق.ا.م.م دادورز (مامور اجرا) بعد از شروع به اجرا نمی تواند اجرای حکم را تطعیل یا توقیف یا قطع نماید یا به تاخیر اندازد، مگر به موجب قرار داگاهی که دستور اجرای حکم را داده یا داگاهی که صلاحیت صدور دستور تاخیر اجرای حکم را دارد یا ...» و بلافاصله ماده ۲۵ نیز اعلام کرده: «هر گاه در جریان اجرای حکم اشکالی پیش آید، داگاهی که حکم تحت نظر آن اجرا می شود رفع اشکال می نماید.» اثر این تصمیم دادگاه، تحویل مال مذکور به محکوم علیه یا خانواده اش خواهد بود. البته محکوم له هم کماکان حق معرفی و توقیف سایر اموال را خواهد داشت.[1]

بند چهارم- ابطال عملیات اجرایی و مزایده

سومین اثر تصمیم مرجع قضایی مبنی بر پذیرش اعتراض راجع به مستثنیات دین ممکن است ابطال مزایده یا حتی ابطال عملیات اجرایی باشد فروش اموالی که به درخواست محکوم له برای وصول محکوم به توقیف می شود، پس از ارزیابی از طریق مزایده (با تنظیم آگهی فروش) صورت می گیرد.

ماده ۱۱۴ ق.ا.ا.م مصوب ۱۳۵۶ در مورد اموال منقول مقرر کرده که «فروش اموال از طریق مزایده به عمل می آید» و در مورد اموال غیر منقول نیز این روش اجرا می شود. ماده ۱۳۷ قانون مذکور حکایت دارد: «ترتیب فروش اموال غیر منقول به استثنای مواردی که ... مانند فروش اموال منقول است.»

باتوجه به مواد۱۴۲و۱۴۳قانون یادشده،پس ازانجام مزایده،دادگاه بایدصحت جریان آن ونیزصحت اقدامات مامور اجرارا احرازنماید،چنانچه باتخلف ازمقررات مربوط مواجه شود،این اختیارراداردکه آن راباطل وملغی نماید.[2]بنابراین اگرقبل ازتنفیذمزایده نیزشکایتی راجع به عدم رعایت مستثنیات دین توسط مامورین اجرادردادگاه مطرح شود،بدواً به این شکایت رسیدگی می کند و اگر آن را پذیرفت، دستور ابطال مزایده یا الغای اقدامات ماموراجرارابه استناد مادتین مذکور صادر می کند که نتیجه اش رفع توقیف از مال مشمول مستثنیات دین و استرداد آن به محکوم علیه یا سایر اشخاص ذینفع است. اگر عملیات اجرایی به مرحله بعد از تایید مزایده و صدور دستور تملیک ملک به نام برنده آن یا پرداخت وجه ناشی از فروش آن به محکوم له یا انتقال سند به نام او رسیده باشد و سپس براساس حکم نهایی از دادگاه صلاحیتدار، حکم اولی فسخ یا نقض شود یا مورد اعاده دادرسی قرار گیرد، در این صورت کل عملیات اجرایی باطل اعلام می شود و توسط دادگاه اجرا کننده حکم به حالت قبل ازاجرابرمیگردد.ماده ۳۹ ق.ا.ا.م مقرر کرده:

«هر گاه حکمی که به موقع اجرا گذاشته شده بر اثر فسخ یا نقض یا اعاده دادرسی به موجب حکم نهایی بلااثر شود، عملیات اجرایی به دستور دادگاه اجرا کننده حکم به حالت قبل از اجرا برمیگردد..» بنابراین از ماده فوق می توان در مورد ادعای مستثنیات دین هم استفاده کرد و چنین نتیجه گرفت که اگر محکوم علیه یا خانواده و افراد تحت تکفل او به هر دلیل (اعم از مسافرت، بیماری و نظایر آن) در مراحل اجرایی حضور یا اطلاع نداشته اند تا بتوانند اعتراض خود را مطرح کنند، در صورتیکه بعد از اجرا چنین اعتراضی را مطرح کنند، دادگاه اجرا کننده حکم می تواند به این اعتراض رسیدگی کند و در صورت پذیرش آن و احراز این که مال مشمول مستثنیات دین است و اقدامات مامور اجرا و مراحل قبل اجرایی صحیح نبوده، به استناد ماده ۱۴۲ ق.ا.ا.م، اقدامات مامور اجرا را باطل و دستور اعاده به حالت قبل را صادر کند. اشکالی که در اینجا وجود دارد و در هیچیک از دو قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ و قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ پیش بینی نشده، موضوع «موعد اعتراض» است که تصریح به آن نشده لیکن با توجه به سکوت قانون در خصوص موعد اعتراض مستثنیات دین به نظر میرسد که قانونگذار نظر به محدودیت زمانی نداشته و این با مبانی مستثنیات دین که قبلا گفته شد، از جمله قاعده «رفع عسر و حرج»و«حق حیات وزندگی»قابل توجیه است ونمیتوان نیازضروری حیاتی رامشمول مرورزمان دانست.بنابراین در هرزمان که دادگاه عذرموجه ذینفع دراستنادبه مستثنیات دین رادرموردعلت عدم حضوریااعتراض درزمان اجرای حکم احرازکند،میتواندبراساس قسمت آخرماده۳۹ ق.ا.ا.م وماده۵۲۵ ق.آ.د.م عین مال مشمول مستثنیات دین را مسترد یااگرفروخته شده وموجودنباشد،مثل یاقیمت آن رامتناسب بانیازمحکوم علیه برگرداند.البته باید توجه داشت که همانطورکه در ماده ۵۲۶ ق.آ.د.م منصوص است، «مستثنیات دین (فقط) تا زمان حیات محکوم علیه جاری است.» در عین حال به نظر میرسد که اگر قانونگذار برای اعمال حق مستثنیات دین در زمان حیات محکوم علیه نیز

---

[1] - نک: ماده ۵۳ و تبصره ماده ۱۴۷ ق.ا.ا.م

[2] - ماده ۱۴۲ ق.ا.ا.م «شکایت راجع به تنظیم صورت ملک و ارزیابی آن، تخلف از مقرارت مزایده و سیار اقدامات دادورز ظرف مدت یکهفته به دادگاهی که دادورز در انجا ماموریت دارد داده می‌شود. دادگاه در وقت فوق العاده به موضوع شکایت رسیدگی و در صورتیکه شکایت را وارد و موثر دانست، اقدامی را که برخلاف مقرارت شده ابطال و دستور مقتضی صادر خواهد نمود...»

ISSN: 2538-3787
http://www.Joce.ir

مدت زمان متعارفی را پیش بینی می‌کرد، شایسته تر بود و در این صورت هم تکلیف محکوم له یا اجرای حکم مشخص می شد و حقوق او ملحوظ نظر واقع می شد و هم تکلیف عملی دادگاه ها و دوایر اجرای احکام. چه پس از علم اطلاع محکوم علیه از توقیف مال معمولا ظرف مدت زمان متعارفی باید اعتراض خود را مطرح کند و اگر نکرد، اینگونه تلقی می شود که جزء نیازهای ضروری او نبوده است. بنابراین فعلا با توجه به فقدان نص در این مورد می توان از همان ضابطه کلی «عرف» که در موارد ۵۲۴ و ۵۲۵ ق.آ.د.م راجع به مستثنیات دین در نظر گرفته شده، برای موعد اعتراض هم استفاده کرد و به تشخیص دادگاه از اعتذار محکوم علیه یا خانواده‌اش با ضوابط عرفی هم سرایت داد.

۴-۳- آثار تصمیم مراجع غیر قضایی

آثار تصمیمات مراجع غیرقضایی راجع به پذیرش اعتراضات در مورد چگونگی توقیف اموال و اشیایی که در قوانین مخصوص و اجرایی مربوط به این مراجع برای مستثنیات دین پیش بینی شده تقریباً شبیه آثار تصمیمات مراجع قضایی است. یکی از این آثار توقف عملیات و رفع توقیف و دیگر، جلوگیری از حراج و مزایده و نهایتاً ابطال عملیات اجرایی خواهد بود که به تفکیک بررسی می شود.

بند اول- اداره ثبت

براساس تبصره ۲ الحاقی سال ۱۳۷۰ به ماده ۶۹ آ.ا.م.ا.ر.ل در صورت بروز اختلاف نسبت به متناسب بودن اموال و اشیاء موصوف (مستثنیات دین) با نیاز اشخاص فوق الذکر (مدیون و خانواده اش) رئیس ثبت محل با توجه به وضعیت خاص متعهد و عرف محل، مطابق ماده ۲۲۹ آیین نامه اتخاذ تصمیم خواهد نمود. با توجه به این تبصره رئیس ثبت این اختیار را دارد که با انجام تحقیقات لازم، در صورت تایید اعتراض مدیون یا خانواده اش، دستور رفع توقیف از مال توقیف شده را صادر نماید و اگر رئیس ثبت اعتراض را وارد ندانند، باز این تصمیم ظرف ده روز قابل شکایت در هیئت نظارت است. لازم به ذکر است دایره اجرای ثبت پرونده اجرایی را به مرکز حراج نمی فرستد، بلکه برای هر پرونده توسط بایگانی مرکز حراجی، کارت حراج تنظیم می شود که این کارت در دو نسخه تنظیم وبا ذکر مشخصات مال در آن به مرکز حراج فرستاده می شود و ارسال این کارت مطابق تبصره ماده ۱۵۰ آیین نامه مذکور مبین لزوم اقدام به علمیات اجرایی است. هر گاه بعدازتوقیف مال، راجع به آن ازسوی متعهدادعای مستثنیات شود،ازارسال کارت حراج جلوگیری می‌شودوبه اعتراض یاادعای متعهدرسیدگی،سپس درصورت تایید،عملیات اجرایی ادامه نخواهدیافت وحراجی صورت نخواهد گرفت.

ماده ۱۵۱ آیین نامه در این مورد مقرر کرده: «در هر مورد که تا قبل از ارسال کارت به مرکز حراج معلوم شود که واگذاری مورد بازداشت یا مورد معامله، قانوناً میسر نیست. مادام که رفع مانع نشده است از ارسال کارت به مرکز حراج خودداری می‌شود، مرکز حراج از هر گونه اقدام خودداری می کند و مراتب را به [دایره] اجرا اطلاع می دهد.»

براساس ماده ۱۸۲ آیین نامه فوق الذکر می توان چنین استنباط کرد که اگر رأی هیات نظارت با شورای عالی ثبت، مبنی بر ابطال عملیات اجرایی باشد، عملیات حراج متوقف خواهد شد و چنانچه علت ابطال، توقیف اموال مشمول مستثنیات دین باشد، از این اموال رفع توقیف می شود و متعهدله باید اموال دیگری معرفی نماید. در تایید این استدلال، رایی از شعبه ۶ دیوان عالی کشور به شماره ۱۰۲۱ مورخ ۱۳۲۵/۶/۱۹ صادر شده که خلاصه آن چنین است:

«برحسب مستفاد از مجموع مواد آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی معلوم و مسلم است که ابطال مزایده منحصرا به موارد مذکور در ماده ۹۸ آیین نامه مزبور نیست و پس از طرح دعوی، دادگاه مکلف است به تمام اعتراضات خواهان به عملیات اعم ازاینکه ازقبیل امورمذکوردر آن ماده باشد یا غیر آن رسیدگی کند.»[۱]

اگر مال مورد مزایده به برنده مزایده یا متعهدله تحویل شده باشد و سپس صورت مجلس مزایده ابطال شود، مال مشمول مستثنیات دین به متعهد مسترد می گردد. این مطلب از تبصره ۱ ماده ۱۰۳ آیین نامه مستفاد است. زیرا که مقرر اشته :« در صورتیکه هر یک از موارد مذکور پس از انجام مزایده و قبل از صدور سند انتقال تحقق یابد، اداره ثبت صورت مجلس مزایده را ابطال و سپس به ترتیب مقرر در ماده فوق عمل خواهد کرد و هر گاه مال مورد مزایده به برنده مزایده یا متعهد له تحویل شده باشد، مسترد می گردد.»

بند دوم- اداره دارایی

باتوجه بمواد ۲۱۶، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۶۴ و ۲۶۵ ق.م.م و مواد ۵۷ و ۵۹ آیین نامه اجرایی وصول مالیات مصوب ۱۳۶۴ موضوع ماده ۲۱۹ ق.م.م می توان گفت که عدم رعایت مستثنیات دین در زمان توقیف از ناحیه مامورین اخذ مالیات یکی از موارد قابل شکایت در هیات های حل اختلاف مالیاتی و نهایتا شورای عالی مالیاتی است و اگر اعتراض مودی از این حیث در هر یک از مراجع فوق تایید شود، عملیات اجرایی متوقف و مال توقیف شده که مشمول مستثنیات دین تشخیص داده می‌شود. به او مسترد می شود. به لحاظ جلوگیری از طولانی شدن نوشتار، ذکر تمام موارد ضروری به نظر نمی رسد و فقط به ذکر قسمتی از ماده ۵۸ آیین نامه اجرایی فوق بسنده می شود:

---

[۱] - متین دفتری، احمد، مجموعه رویه های قضایی شامل آراء شعب و هیات های عمومی دیوان عالی کشور، قسمت حقوقی از سال ۱۳۱۱ تا ۱۳۵۵ ص ۱۶۹

فقه، حقوق و علوم جزا ، شماره ۸ ، تابستان ۱۳۹۷، ص ۱۲۶- ۱۱۵

ISSN: 2538-3787
http://www.Joce.ir

ماده ۵۸ آیین نامه اجرایی وصول مالیات: «شکایت از اقدامات اجرایی مانع جریان عملیاتی اجرایی نیست. مگر اینکه هیأت حل اختلاف مالیاتی موضوع ماده ۲۱۶ق.مام. برای رسیدگی قرار توقف عملیات اجرایی را صادر نماید...

تبصره۱ـدرصورتیکه هیات دلایل شاکی راقوی بداند،میتواندبدون اخذ تامین قرار توقف عملیات اجرایی را صادر نماید...»

فقه، حقوق و علوم جزا ، شماره ۸ ، تابستان ۱۳۹۷، ص ۱۲۶- ۱۱۵

ISSN: 2538-3787
http://www.Joce.ir

نتیجه گیری

اموالی که برای اجرای حکم توقیف نمی شود تشخیص مورد و انطباق آن با مقرارت مذکور، با عنایت به شان و موقعیت اجتماعی محکوم علیه و عرف محل به عهده مرجع اجرا کننده حکم است اما در صورت اختلاف رویه بین مرجع صادر کننده و اجرا کننده مساله را می توان این طور حل کرد : دایره اجراء و در راس آن قاضی اجرای احکام نباید اموال جزء م. د را توقف نماید بعد از این مرحله اگر طرف مقابل معترض بود رفع اختلاف با دادگاه صادر کننده اجرائیه خواهد بود البته این اختلاف با وجود اینکه قاضی اجرای حکم در واقع قاضی صادر کننده حکم می باشد مساله، سالبه به انتفاع موضوع است. اگر مال محکوم علیه در حوزه قضایی دیگر باشد و موضوع توقیف به مرجع دیگری نیابت داده شده باشد واحد مجری نیابت باید از توقیف اموال مشمول مستثنیات دین خودداری نماید ودرفرض حدوث اختلاف بین طرفین مراتب راجهت رفع اختلاف ازطریق واحداجرای معطی نیابت بنظر دادگاه (صادرکننده اجراییه)برساندمدیون ومحکوم علیه همواره میتواندباارائه مستندات و دلایل خود به واحد اجرا مراتب اعتراض خود را اعلام نماید و به م.د تمسک نماید وبر فرض تشخیص واحد اجرابر م.د بودن اموال طرف مقابل نیز می تواند اعتراض نماید و مراتب به دادگاه (صادر کننده اجرائیه) منعکس میشود.درصورت بروز اختلاف نسبت به متناسب بودن اموال و اشیا موصوف در ماده قبل با شئون و نیاز محکوم علیه، تشخیص دادگاه صادر کننده حکم لازم الاجرا ملاک خواهد بود چنانچه اموال و اشیاء مذکور بیش از حد نیاز و شئون محکوم علیه تشخیص داده شود و قابل تجزیه وتفکیک نباشدبدستوردادگاه به فروش رسیده و مازاد بر شان بابت محکوم به یا دین پرداخت می گردد.

ISSN: 2538-3787
http://www.Joce.ir

منابع و مراجع

[۱] اسکینی/ربیعا،۷۵ش/حقوق تجارت وورشکستگی وتصفیه امورورشکسته/قم انتشارات سمت/ص/۱۳۷۸/۱۳/۱۳ ش، حقوق تجارت، تهران انتشارات سمت، ص ۱۳.
[۲] اسماعیلی هریسی، ابراهیم، ۱۳۸۳ ش، حقوق مالکین آپارتمان ها، نشر دادگستر، ص ۱۶۷
[۳] امامی، سید حسن، ۱۳۶۸ ش، حقوق مدنی، تهران نشر اسلامیه، ج ۲، ص ۲۰۵
[۴] جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۶۳ ش، دایره المعارف علوم اسلامی (قضایی)، تهران گنج دانش، ج ۱، ص ۶۱۵ ـ ۲۹ ـآ ۱۳۶۹ ش، حقوق تعهدات، دانشگاه تهران، ج ۱ ص ۶۸-۳۰- ۱۳۸۲ ش، ترمینولوژی حقوق، تهراج گنج دانش، ج ۱، ص ۷۴۱.
[۵] حائری، سید علی، ۱۳۸۰ ش، شرح قانون مدنی، تهران گنج دانش، ج ۱، ص ۹
[۶] حسینی نژاد، حسنیقلی، ۱۳۷۰ ش، مسئولیت مدنی، جهاد دانشگاهی تهران، ج ۱، ص ۹۷
[۷] ستوده تهرانی، حسن، ۱۳۷۴ ش، حقوق تجارت، نشر دادگستری، ج ۱، ص ۲۱.
[۸] شمس، عبدالله، ۱۳۸۰ ش، آیین دادرسی مدنی، نشر میزان، ج ۱، ص ۹۲
[۹] شهری، غلامرضا، ۱۳۷۱ ش. حقوق ثبت و اسناد و املاک، جهاد دانشگاهی، ص ۳۶۰ – ۵۸ – ۱۳۸۱ ش، مجموعه قوانین و مقرارت، روزنامه رسمی.
[۱۰]صفری، منصور، بی تا، حقوق تجارت، بی جا، ص ۳۵
[۱۱]کاتبی، حسینقلی، ۱۳۷۶ ش، حقوق تجارت، تهران گنج دانش، ص ۲۹۳
[۱۲] آخوند خراسانی، محمد کاظم، ۱۴۰۹ ق، کفایه الاصول، قم موسسه آل بیت.
[۱۳] ابن ادریس، ابوجعفر محمد بن منصور، ۱۴۱۰ ق، السرائر، قم نشر اسلامی، ص ۳۷
[۱۴] ابن حنبل، احمد، (ترجمه علی نصیری)، ۱۳۸۷ ش، مسند ابن حنبل، قم تبیان، ج ۵، ص ۱۲۶.
[۱۵] ابن داود، ۱۳۸۷ ش، سنن ابن داود، قسم موسسه تبیان.
[۱۶] ابن زهره،حمزه بن علی،بیتا،غنیته النزوع(درضمن سلسله الینابیع الفقهیه)،قم موسسه الامام صادق،ج۱۵، ص ۱۹۱.
[۱۷] ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ق. لسان العرب، بیروت دارالفکر، ج ۶، ص ۱۶۶.
[۱۸] اردبیلی، مولا احمد، بی تا، زبده البیان فی احکام القران، تهران مکتب المرتضویه، ص ۴۸۹.
[۱۹] راغب، ابوالقاسم حسین بن محمد، ۱۴۰۴ ق، المفردات فی غریب القران، نشر کتاب، ۴۳-۱۴۱۲ ق، المفردات فی غریب القران، بیروت دار القلم الدار شامیه.
[۲۰]زحیلی، وهبه، ۱۴۲۳ ق، المعاملات المالیه المعاصره، دمشق دارالفرک، ج ۱، ص ۱۹۱
[۲۱]زکریا، احمد بن فارسی، بی تا، مقایس اللغه، قم اسماعیلیان، ج ۲، ص ۳۲۰ – ۴۶- ۱۳۶۱ ش، معج مقایس الغه، قم، مکتب الاعلام السلامی، ج ۱، ص ۳۹۲.
[۲۲]سیستانی، سید علی، ۱۴۱۶ ق، منهاج الصالحین، قم، ص ۲.
[۲۳] سیوطی، جلال الدین، بیتا،تنبیه الحوالک، بیجا،ج ۱،ص ۱۲۲– ۵۴– البهجه المرضیه،قم انتشارات دارالفکر،ج ۱، ص ۳۹۱.
[۲۴]تولیت،سیدعباس،۱۳۷۷ش،مقاله ضابطه ومفهوم مستثنیات دین،مجله دیدگاه های حقوقی دانشکده قاضیی، ش ۱۲
[۲۵]ژزف شاخت آلمانی،۱۹۹۵م،مقاله حقوق اسلام درکشورهای کنونی درمجله امریکایی حقوق سنجی،ش ۸
[۲۶]سفیداری، حمید رضا، روزنامه همشهری، ش ۵۵، ص ۳.
[۲۷]انجیل متی ترجمه از زبان یونانی، ۱۹۷۹ م، بیروت، سوره ۲۶، آیات ۱۴ تا ۴۱.
[۲۸]امینی، معصومه، ۱۳۹۲ ش، مستثنیات از نظر فقهی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
[۲۹]صانعی، پرویز (ترجمه)، ۱۳۴۹ ش، مقدمه ماتیکان هزار دستان، مجله حقوق، ش ۲۹.
[۳۰] علی دوست، ابوالقاسم، ۱۳۸۱ ش، فقه عقل، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ص ۱۹۱.